یادداشت روز

اسب هوشمند و مدیریت سهل‌اندیش

۱-یونانی‌ها پس از ده سال محاصره تروا، هنگامی که دیدند نمی‌توانند با جنگ غلبه کنند، نقشه دیگری کشیدند و ژست عقب‌نشینی گرفتند. اسبی چوبین ساختند و پیشکش کردند که درون آن، سربازانی پنهان شده بودند. اسب را کنار قلعه شهر رها کردند و نمایش پایان محاصره راه انداختند. اهالی تروا به رایزنی نشستند. عده‌ای گفتند این نیرنگ جنگی است و نباید اسب را وارد شهر کرد اما نظر دیگر درباره آوردن اسب به داخل غلبه کرد. شب‌هنگام، نیروهای نفوذی، دروازه‌ها را گشودند و شهر به تصرف درآمد. اغلب ما تلقی افسانه از داستان اسب تروا داریم؛ حال آنکه این شگرد به عنوان پایه جنگ نرم و هوشمند مورد استفاده قرار می‌گیرد.

۲-امروزه «اسب تروا» یا «تروجان» به هر ترفندی که باعث نفوذ در استحکامات یا محل حفاظت‌شده گردد، اطلاق می‌شود. در ادبیات سایبری، اسب تروا یا تروجان، برنامه نفوذ از نوع بدافزار است که به سیستم عامل هدف دسترسی سطح بالا پیدا می‌کند، در حالی که به نظر می‌آید در حال انجام کار مناسب و مورد نیاز است. در معماری امنیتی رایانه، اسب تروا لایه بیرونی فریبنده و به ظاهر بی‌خطر و حتی مفیدی است که با فریب کاربر می‌کوشد به سیستم و اطلاعات او دست یابد. «تروجان» توسط دانیل ادواردز کارشناس آژانس امنیت ملی ایالات متحده آمریکا (NSA) انتخاب شد.

۳-نام یونان برای ما تداعی‌کننده داستان حمله اسکندر مقدونی به ایران هم هست.۴ قرن پیش از میلاد هنگامی که اسکندر لشکرکشی کرد، دو سردار هخامنشی به نام «جانوسیار» و «ماهیار» به ایران خیانت کردند اما پس از پیروزی اسکندر توسط خود او به دار کشیده شدند. قاآنی ضمن یادآوری این خیانت می‌گوید «رسم عاشق نیست با یک دل دو دلبر داشتن- یا ز جانان یا ز جان بایست دل برداشتن/ناجوانمردی است چون جانوسیار و ماهیار- یار دارا بودن و دل با سکندر داشتن/ یا اسیر حکم جانان باش یا در بند جان- زشت باشد نوعروسی را دو شوهر داشتن». کارآمدترین حربه‌های دشمن هنگامی کارگر واقع می‌شود که پای غفلت و خوش‌خیالی و سهل‌اندیشی (مانند اهالی تروا) و یا خیانت جانوسیارها و ماهیارها در میان باشد.

۴- جاسوسان، تروریست‌ها و گروگان‌گیرهای حرفه‌ای، شگرد مشترکی دارند؛ پنهان شدن پشت فرد گروگان یا میان مردم به نحوی که اصلا شناخته نشوند و در صورت شناخته شدن، امکان برخورد با آنها دشوار باشد. نفوذی‌ها معمولا با «متن» همرنگی و استتار می‌کنند تا شناسایی نشوند، در حاشیه امن خرابکاری یا جاسوسی کنند و آسان از معرکه بگریزند. منافقین نیز همین گونه‌اند. همرنگ مردم می‌شوند و به نام آنها حرف می‌زنند، در حالی که ذاتا دشمن منافع و امنیت و آرامش مردمند. معمولا ضربات کاری را همین‌ها در اثر غفلت پدید آمده می‌زنند. آنچه ظرف چند روز اخیر در قالب مصادره به مطلوب نارضایتی اقتصادی مردم و تبدیل آن به اغتشاش و بی‌ثباتی مطلوب دشمنان ملت ایران رخ داد، در همین چارچوب قابل ارزیابی است؛ هرچند که فتنه‌گری و شرارت اخیر قطعا به فضل الهی، بصیرت مردم و تدبیر مسئولان، اسباب اقتدار ملی خواهد شد.

۵-در سال ۸۸ چند ماه طول کشید تا آشوبگران نیابتی نقاب از چهره برداشتند، شعارهای رسوایی مانند «نه غزه نه لبنان» (سفارش ویژه سایت وزارت خارجه رژیم صهیونیستی) و «انتخابات بهانه است- اصل نظام نشانه است» دادند، روی نام اسلام در عبارت جمهوری اسلامی خط کشیدند و عاقبت‌الامر به ساحت امام حسین(ع) هتاکی کردند. آنها این بار در همان آغاز شعار «نه قرآن نه اسلام، هر دو فدای ایران»! دادند، از تروریست‌های تکفیری با شعار «سوریه را رها کن» جانبداری کردند، به مساجد و حسینیه‌ها و اموال عمومی و مغازه‌ها و خودروهای مردم حمله کردند، آدم کشتند و ناامنی ایجاد کردند. اما با این وجود چرا بعد از معلوم شدن حقیقت ماجرا، برخی رسانه‌های زنجیره‌ای متهم در فتنه ۷۸ و ۸۸، دیروز به جای انتشار تصاویر خرابکاری و آدم‌کشی و تخریب اموال عمومی و خصوصی توسط عناصر آشوب‌طلب، به این رفتار ضد امنیت ملی، لباس «اعتراض مدنی» پوشاندند و خواستار رسمیت بخشیدن به آن شدند؟!

۶-طیفی از همین مدعیان اصلاح‌طلبی ابتدا، تجمع اعتراضی مالباختگان در مشهد را به دروغ به رقبای سیاسی نسبت دادند، اما برخی رسانه‌های مدعی حمایت از دولت یا حامی جریان فتنه، از اقدامات تشنج‌آفرین بعدی و تبدیل اعتراض معیشتی مذکور به اغتشاش ضدامنیتی و سیاسی استقبال کردند. چنانکه سایت - کانال‌هایی مانند آمدنیوز و کلمه سعی کردند اعتراض اقتصادی را مصادره به مطلوب کنند. این رسانه‌ها که توسط مشاور فراری یکی از سران فتنه و برخی عناصر خارج‌نشین گروهک ملی مذهبی و حزب مشارکت و حضور پررنگ بهائی‌ها اداره می‌شوند، در انتخابات، تظاهر به حمایت از دولت می‌کردند اما اکنون آشکار شده اولویت آنها، زدن نظام است هرچند که نقاب حمایت از دولت، از چهره‌شان بیفتد. همین‌ها زمانی به صراحت و وقاحت گفتند، دولت را درحد رحم اجاره‌ای و کاتالیزور (تسریع‌کننده) گذار از انقلاب و نظام اسلامی قبول دارند نه بیشتر.

۷-به یاد داریم از وزیر دولت اصلاحات گرفته تا معاون وزیر و چند نماینده مجلس و مدیر بانکی و گله‌ای از روزنامه‌نگاران مدعی اصلاح‌طلبی، پس از خیانت‌های متعدد از کشور گریختند و در آمریکا و انگلیس و فرانسه پناه گرفتند. اما هم‌تیمی‌های آنها در داخل بیکار نشسته‌اند؟ آیا نمی‌توان احتمال داد همین طیف مغفول، همچنان در برخی مراکز تصمیم‌گیر و تصمیم‌ساز حضور داشته باشند؟ از یک طرف مدیران را به بی‌عملی بکشانند یا مشورت گمراه‌کننده بدهند و از طرف دیگر، مردم را ناراضی و ناامید کنند که مقدمه سربازگیری دشمن است.

۸- خداوند در آیه ۸۸ سوره نساء با عتاب می‌فرماید «فَمَا لَكُمْ فِي الْمُنَافِقِينَ فِئَتَيْنِ وَاللَّهُ أَرْكَسَهُم بِمَا كَسَبُوا... شما را چه شده که درباره منافقان دودسته شده‌اید، در حالی که خدا آنان را به خاطر آنچه انجام دادند ، وارونه و سرنگون کرده است؟». به تعبیر حکیمانه امام علی(ع) در غررالحکم «مَنْ نَامَ عَنْ عَدُوِّهِ انْتَبَهَتْهُ الْمَكَايِدُ» و «مَنْ نَامَ عَنْ نُصْرَةِ وَلِيِّهِ انْتَبَهَ بِوَطْأَةِ عَدُوِّهِ». هر کس نسبت به دشمن خواب باشد، نقشه‌ها و نیرنگ‌ها او را بیدار می‌کند. و هر کس از یاری مولای خود غفلت کند و خواب بماند، با لگد دشمن بیدار می‌شود. عدم مرزبندی با دشمن پنهان، غفلت از نقشه‌های او و عدم تبعیت شایسته از مولا و مقتدا، دیر یا زود میوه تلخ می‌دهد.

۹-رهبر حکیم انقلاب بارها مشفقانه از دولتمردان خواستند مرزبندی با جریان فتنه و یاغیان علیه قانون را به عنوان خط قرمز نظام (جمهوریت و اسلامیت) حفظ کنند، چنانکه ۵ شهریور ۹۳ فرمودند «علائق اعضای دولت به برخی جناح‌های سیاسی اشکالی ندارد اما دولت و اعضای آن نباید اسیر جناح‌بندی‌ها شوند. در موضوع جناح بندی‌های سیاسی همواره تأکید بر رفاقت و انس با یکدیگر است اما در برخی موارد هم مسئله متفاوت است و باید حتماً خطوط قرمز و خطوط فاصل رعایت شوند. مسئله فتنه و فتنه‌گران، از مسائل مهم و از خطوط قرمز است که آقایان وزرا باید همانگونه که در جلسه رأی اعتماد خود بر فاصله گذاری با آن تأکید کردند، همچنان بر آن پایبند باشند». متاسفانه بعضا این هشدار مهم مورد غفلت واقع شد و این در حالی است که نسبت طیف فتنه با دولت جمهوری اسلامی، بدتر از حکایت مجنون و شتر ناهمراه وی است؛ فتنه گران گرای تحریم‌های فلج‌کننده را به دشمن دادند، حال آنکه دولت شعار رفع تحریم‌ها را سر دست گرفته بود. و دولت منطقا باید به حل مشکلات اقتصادی اهتمام می‌کرد، در حالی که فتنه گران ناراضی و ناامید کردن مردم را لازمه بازسازی نقشه شکست خورده خود می‌دیدند.

۱۰- فلان کانال تلگرامی ۲سال است به نیابت از سرویس‌های جاسوسی، عملیات روانی می‌کند و میلیشیای شست‌وشوی مغزی شده تربیت می‌نماید اما اکنون که وارد فاز دعوت به ترور و تخریب شده و شیوه ساخت بمب دستی آموزش می‌دهد، تازه وزارت ارتباطات به صرافت می‌افتد کاری بکند. اما از آن سو مدیر تلگرام مقاومت می‌کند و مانند مهره گوش به فرمان سرویس‌های جاسوسی، ماندن پای کانال کذایی را به ۴۰ میلیون کاربر ایرانی ترجیح می‌دهد! آیا اهمیت میلیشیا پروری شبکه‌های مجازی، کمتر از آموزش ساخت بمب دستی است؟!

۱۱- رو شدن دست گردانندگان کانال‌های مذکور در حالی است که گردانندگان آنها در انتخابات ریاست جمهوری، خود را حامی دولت جا می‌زدند و با همین پوشش منافقانه اقدام به دروغ‌پراکنی، جعل سند و شانتاژ علیه سران نظام، مجلس خبرگان، شورای نگهبان، قوه قضائیه، سپاه پاسداران و رهبری کردند. عجیب اینکه وزیر اطلاعات ۱۸ مرداد امسال در پی تشدید اعتراض‌ها گفته بود «به مرتبطین کانال [...] تذکر دادیم و اقدامات در زمینه ایجاد جنگ روانی علیه این کانال راه افتاده است»! چرا در طول ۲ سال اخیر با شبکه رابطین و مرتبطین این کانال‌های ضدانقلابی برخورد نشد؟ وچرا در تمام این سالها درباره راه‌اندازی شبکه ملی اطلاعات کوتاهی شد تا اتاق مدیریت فضای مجازی به خارج کشور منتقل شود و اسباب شبیخون دشمن فراهم گردد؟ دشمنی که سر جنگ نظامی و اقتصادی و تحریم و ترور داشت، چگونه این حوزه را از تحریم‌ها استثنا کرد؟!

۱۲- شست و شوی مغزی از انسان‌ها، آدم آهنی و ربات می‌سازد؛ منفعل و کنترل شونده از راه دور. مجله نیوزویک خرداد ۹۶ گزارشی هشدارآمیز درباره سرنوشت دموکراسی منتشر کرد. در تصویر روی جلد، شهروندان در حالی که هرکدام سرشان به گوشی گرم است و غرق در فضای مجازی هستند، به سمت مرکز رای‌گیری می‌روند. سؤال نیوزویک این بود؛ HOW BIG DATA IS CORRUPTING DEMOCRACY?. چگونه اطلاعات و داده‌های عظیم، دموکراسی را فاسد و خراب می‌کند؟». و در پاسخ تیتر زده بود: «BRAIN WASHED شست‌وشوی مغزی»! چند ماه بعد، مجله اکونومیک گزارش صفحه اول خود را به تیتری مشابه اختصاص داد: «شبکه‌های اجتماعی، تهدیدی برای دموکراسی».

۱۳- شست و شوی مغزی و تحمیق یعنی اینکه یک شبکه درهم تنیده تلگرامی، اینستاگرامی و توئیتری، در انتخابات از مخاطبان بخواهند به فلان نامزد رای بدهند اما چند ماه بعد از پیروزی همان نامزد، از گارد اعتراض به عملکرد اقتصادی دولت وارد شوند و سپس افراد را به آشوب بکشانند!البته اکثریت قریب به اتفاق مردم با وجود اعتراض به حقی که به برخی سوء مدیریت‌ها و کم کاری‌ها دارند، به این تحمیق تمکین نکردند و تجمعات فرصت‌طلبانه، چند ده یا حداکثر چند صد نفره برگزار شد. اما نکته جالب و توهین بعدی به شعور مخاطبان در همین بزرگ‌نمایی و کوچک‌نمایی شعبده بازان مجازی قابل رصد است. این روزها در شهرهای مختلف راهپیمایی‌های چند ده و چند صد هزار نفری با شکوهی به مناسبت حماسه ۹ دی برگزار شد که هیچ بازتابی در رسانه‌های کذاب مجازی نداشت اما تجمعات بزن درورویی چند ده نفره در فلان شهر را به شکل کاریکاتوری آب و تاب دادند.

۱۴- طبقات پایین پشتیبان واقعی کشور و نظام در روزهای سخت بوده‌اند اما بعضا مطالبات بحق آنها مغفول مانده است. رهنمود امیر مومنان درنامه ۵۳ نهج‌البلاغه باید نصب العین دولت، مجلس و دستگاه قضایی در همه تصمیمات و مدیریت‌ها باشد: «دوست داشتنی ترین چیزها در نزد تو باید ، در حق میانه ترین، و در عدل فراگیرترین، و در جلب خشنودی مردم گسترده ترین باشد، که همانا خشم عمومی مردم، خشنودی خواص را از بین می‌برد، امّا خشم خواص را خشنودی همگان بی اثر می‌کند. خواصّ همواره باری سنگین بر حکومت تحمیل می کنند و در روزگار سختی یاریشان کمتر، و در اجرای عدالت از همه ناراضی تر، و در خواسته هایشان پافشارتر، و در عطا و بخشش‌ها کم سپاس‌تر، و به هنگام منع خواسته‌ها دیر عذر پذیرتر، و در برابر مشکلات کم استقامت‌تر می باشند. در صورتی که ستون استوار دین، و اجتماعات پرشور مسلمین، و نیروهای ذخیره دفاعی، عموم مردم هستند، پس به آنها گرایش داشته واشتیاق تو باید به سوی آنان باشد.

محمد ایمانی

فعالان و کارشناسان سیاسی تاکید کردند

آشوب، آدم‌کشی و تخریب اموال عمومی جنایت است نه اعتراض مدنی

فعالان و کارشناسان سیاسی با اشاره به مشکلات معیشتی و اقتصادی مردم که دولت موظف به رسیدگی به این مشکلات و شنیدن انتقادات آنها است تاکید کردند که فتنه‌گران به دنبال موج سواری بر روی مشکلات مردم هستند چنانکه با اتفاقات روزهای اخیر، آنچه اتفاق افتاده است را تنها می‌توان جنایت نامید.

اعتراض مدنی اصولی دارد که در همه جای جهان پذیرفته شده است. حرکت‌هایی در چارچوب اعتراض مدنی صورت می‌گیرد ضمن احترام به قوانین و حقوق سایر مردم روشی عرفی و پذیرفته شده را برای اعلام اعتراض خود انتخاب می‌کنند. از این دست اعتراض‌های مدنی در این سال‌ها زیاد اتفاق افتاده است.

اما نکته آن است که وقتی کار به تخریب اموال عمومی و حتی اموال شخصی مردم می‌رسد، وقتی کار به ایجاد رعب و وحشت و آدم کشی می‌رسد دیگر نمی‌توان نام اعتراض بر آن نهاد. این اعمال را باید جنایت نامید که لازمه آن برخورد قاطع دستگاه‌های امنیتی و قضایی با اغتشاشگران است.

برای نمونه در فیلمی که توسط دوربین‌های مداربسته از یک ایستگاه آتش‌نشانی در دورود ضبط شده و دیروز در خبرگزاری‌ها منتشر شد شاهد حمله وحشیانه برخی افراد فرصت‌طلب به این ایستگاه آتش‌نشانی بودیم. این افراد ضمن آسیب رساندن به ماشین اطفای حریق آن را از مامورین آتش‌نشان گرفته و دنده را خلاص می‌کنند تا اینکه ماشین مذکور ضمن پرت شدن از یک پل بر روی ماشین سمند سقوط می‌کند که در آن یک مرد و پسر نوجوانش در دم جان می‌سپارند.

این افراد ضمن حمله وحشیانه به ایستگاه آتش‌نشانی حتی به ماشین شخصی افراد نیز آسیب می‌رسانند. بر این گونه اقدامات چه نامی جز جنایت می‌توان گذاشت؟

کامنت‌های مردمی در خبر مربوط به آتش‌نشانی دورود و جان سپردن مرد و فرزندش جالب توجه بود. یکی از مخاطبان خبرگزاری نوشته بود: «کارهای داعش رو دارن انجام میدن.این‌ها دیگه معترض نیستن این‌ها قاتل هستن و باید قصاص بشن.»

یکی دیگر تاکید کرده بود: «همه باید کمک کنیم شناسایی و دستگیر بشن. تو شهر ما هم دیشب ماشین‌هایی با پلاک غیربومی مشاهده می‌شد که اغلب پلاک تهران بودن و به نوعی بومی نبودن.»

مخاطب دیگری نوشته بود: «اینها نه انسان هستن و نه ایرانی یه عده چماقدار ترامپ و اسرائیل هستن که فقط پول گرفتن برای ایجاد آشوب و برده پول هستن. فقط نیروهای امنیتی با اینها نباید مدارا کنند و اینها را باید بازداشت و محاکمه بشن.»

یک مخاطب دیگر آنها را چنین توصیف کرده بود: «این کار یه آدم عادی نیست این جنایت‌ها، بانیان این جنایت باید پاسخگو باشند. امنیت ملی از همه چیز مهم‌تر است.»

معمولا دستگاه‌های اطلاعاتی کشورهای معاند نیز مترصد آن هستند که از فضای به وجود آمده در اعتراض‌های مدنی سوءاستفاده کرده و آن را به سمت آشوب و بحران سوق دهند، کما اینکه روزنامه انگلیسی گاردین، درباره اغتشاشات اخیر در ایران، دشمنان و رقبای کشورمان را به لاشخورهایی تشبیه کرد که در آسمان ایران در چرخش‌اند و به آنان هشدار داد مراقب آرزوی خود باشند.

فتنه‌گران در پی موج سواری

با آغاز اعتراضات به برخی مشکلات اقتصادی از گرانی گرفته تا بیکاری و رکود، مسئولین نیز ضمن پذیرش ایرادهای وارده اعلام کردند بایستی نسبت به برطرف کردن مشکلات مردم تلاش‌های جامع و جدی صورت گیرد.

با ورود و موج سواری دشمنان و برخی عوامل فریب خورده و یا مغرض که به دنبال عقده گشایی بر روی مشکلات معیشتی مردم بودند، شعارهای ضدملی و میهنی و فراتر از آن ضددینی در میان شعارهای معیشتی مردم مطرح شد.

کارشناسان سیاسی و فعالان اجتماعی معتقدند فتنه‌گران به دنبال موج سواری و عقده‌گشایی بر روی مشکلات معیشتی مردم بوده و این با پیگیری حقوق و خواسته‌های طبیعی مردم سازگار نیست.

حسین مظفر عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام در گفت‌وگو با فارس، با اشاره به مطالبات اقتصادی مردم و سوءاستفاده برخی جریانات ضدانقلاب از این تجمعات اظهار داشت: برخی مشکلات و تنگناهای معیشتی و اقتصادی در جامعه ما وجود دارد که مسئولان نیز آن را قبول دارند و بخش عمده‌ای از آن ناشی از تحریم‌های ظالمانه‌ای است که از سوی نظام سلطه بر ما تحمیل‌شده و دولت باید در این زمینه تدبیر کند.

مظفر تصریح کرد: آشوب‌هایی که منجر به اختلال در نظم عمومی و امنیت می‌شود ریشه در خارج، جریان فتنه و عملکرد دشمنان و بدخواهان انقلاب دارند که می‌خواهند بر موج مشکلات مردم سوار شوند.

عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام با تأکید بر اینکه مردم باید حواس خود را جمع کنند و مطالباتشان را به شکل قانونی و با تجمعات مسالمت‌آمیز پیگیری کنند، افزود: ما باید هرگونه بهانه را از دست بدخواهان بگیریم چراکه مشخص است این جریان که دست به تخریب اموال عمومی و اموال خصوصی مردم زده و پرچم کشورمان را آتش می‌زنند نه درد مردم دارند و نه به دنبال اصلاح کشور است بلکه می‌خواهند علیه مبانی نظام و انقلاب عقده‌گشایی و موج‌سواری کنند.

وی با بیان اینکه آتش زدن بانک‌ها و اتوبوس‌ها نه‌تنها مطالبات بر حق مردم را محقق نمی‌کند بلکه مشکلاتی را نیز برای کشور به وجود می‌آورد، تصریح کرد: وقتی مقام معظم رهبری از بصیرت نام می‌برند اینجا به کار می‌آید که بدانیم چگونه موضع‌گیری یا سکوت کنیم و به افرادی که به دنبال باج‌خواهی هستند سواری ندهیم.

بقیه در صفحه ۳

مردم در شهرهای مختلف با خروش علیه آشوبگران خواستار برخورد قاطع با آنان شدند

مردم در سراسر کشور با برپایی راهپیمایی و تجمعات، ضمن محکومیت اقدامات خصمانه و هنجارشکنانه آشوبگران، خشم و انزجار خود از این تحرکات عداوت‌آمیز را اعلام و حمایت قاطعانه خود را از آرمان‌های امام راحل و رهبر معظم انقلاب اعلام کردند.

به گزارش باشگاه خبرنگاران جوان، مردم اهواز با حضور در همایش عاشورائیان ضمن تجدید عهد با آرمان‌های امام راحل و رهبر معظم انقلاب، تحرکات اخیر ضد انقلاب در کشور را محکوم کردند. حجت‌الاسلام حاجتی، امام جمعه موقت اهواز در این همایش با تأکید بر اینکه باید در دفاع از ولایت فقیه استوار و محکم بود، تصریح کرد: اغتشاشگران کف روی آب هستند. این‌ها مردانگی ندارند و به نوامیس مردم توهین کردند.

وی گفت: ما از رکود اقتصادی و بیکاری نگرانیم اما دست آشوبگران را قلم خواهیم کرد.

مردم دورود هم با برپایی راهپیمایی، ضمن محکوم کردن آشوب و اغتشاش ضد انقلاب و ابراز خشم و انزجار از این اقدامات خصمانه، حمایت قاطعانه خود از نظام مقدس جمهوری اسلامی را اعلام کردند.

به گزارش مهر، مردم شهر نورآباد لرستان نیز با حضور خودجوش و گسترده خود در خیابان‌های شهر، آشوبگری و تخریب اموال عمومی توسط اغتشاشگران را محکوم کردند.

مردم نورآباد با سر دادن شعار «ما همه با هم هستیم پشت ولایت هستیم» و «هم ایران هم قرآن جانم فدای اسلام» طومار آشوبگران را در هم پیچیدند و آرامش را به شهر برگرداندند. اقشار مختلف مردم به ویژه جوانان با در دست داشتن عکس‌ها و پلاکاردهایی ضمن پشتیبانی و حفاظت از ارزش‌های اسلامی و انقلابی، انزجار و خشم خود را نسبت به اغتشاشگران اعلام کردند.

خیل عظیم مردم بصیر و شهیدپرور تاکستان نیز عصر دوشنبه با سردادن شعارهایی چون «ما همه با هستیم پشت ولایت هستیم» و «ای مزدور فتنه‌گر ننگت باد» ضمن محکومیت اقدام برخی افراد در آتش زدن اماکن عمومی و تخریب شهر، حمایت همه‌جانبه خود از نظام اسلامی و ولایت فقیه را اعلام کردند. تاکستانی‌ها حرکت خود را از جلوی درب حوزه علمیه به سمت شهرداری تاکستان آغاز کردند. مردم انقلابی این شهرستان با در دست داشتن برگه‌هایی از قرآن‌های سوخته شده توسط فتنه‌گران، این حرکت را وقیحانه و غیرقابل بخشش دانستند و خواستار برخورد با عوامل آن شدند.

بر پایه این گزارش، مردم ایلام هم با تجمع در میدان ۲۲ بهمن با محکومیت هنجارشکنی فرصت‌طلبان در ایلام تاکید کردند مطالبات و مشکلات اقتصادی و معیشتی باید از راه‌های قانونی پیگیری شود.

به گزارش تسنیم، به دنبال ایجاد آشوب در برخی از نقاط کشور جمعی از عشایر عرب خوزستان نیز در دفتر نماینده ولی فقیه در استان خوزستان حضور یافته و ضمن دیدار با آیت‌الله موسوی‌جزایری، نماینده ولی فقیه در استان خوزستان و امام جمعه اهواز، برائت خود را از اغتشاشگران و آشوبگران اعلام و بار دیگر با آرمان‌های انقلاب اسلامی تجدید پیمان کردند.

بر اساس این گزارش، مردم زنجان هم که از اقدامات اغتشاشگران در دو روز اخیر به ستوه آمدند در محکومیت آشوبگران تجمع کردند. این حرکت مردمی با سر دادن شعارهایی از جمله مرگ بر فتنه‌گر، مرگ بر آشوبگر و مرگ بر منافق از مزار پایین زنجان آغاز شد. مردم در تجمع میدان انقلاب حیدر حیدرگویان، یکصدا فریاد می‌زدند که امشب تکلیف آشوبگران را مشخص می‌کنیم و تا آخرین لحظه در صحنه می‌مانیم.

نماینده ولی‌فقیه در استان زنجان از چهره‌های شاخص حاضر در این تجمع مردمی بود و استاد ولی‌الله کلامی شاعر آئینی و پرافتخار کشور نیز به شعرخوانی در پشتیبانی از نظام جمهوری اسلامی و محکومیت اغتشاشگران پرداخت.

همچنین، در پی اغتشاش روز گذشته فتنه‌گران در کاشان، راهپیمایی عظیم مردم کاشان و آران و بیدگل با حضور ده‌ها هزار نفری در کاشان برگزار شد. مردم کاشان از همان ساعات اولیه شروع راهپیمایی از چهارراه شاهد تا میدان جهاد در راهپیمایی حضور یافتند و با شعارهای ضد آمریکا و اسرائیل و آل‌سعود و منافقان انقلاب، خشم و نفرت خود را نسبت به ایادی استکبار نشان دادند.

مردم ولایتمدار شهرستان‌های کاشان و آران و بیدگل، در محکومیت آشوب و اغتشاش که توسط جمعی از اخلالگران و دعوت کانال‌های خبری معاند، در کاشان رخ داد، با حضور ده‌ها هزار نفری خود مشت محکمی بر دهان فتنه‌گران کوبیدند.

خبر ویژه

در آمد کم نیست؛ تنگنای بودجه نتیجه رشد غیرمسئولانه هزینه‌های دولت است

یک کارشناس اقتصادی با اشاره به ادعای کسری بودجه دولت، می‌گوید اشکال از دخل نیست بلکه از هزینه‌هاست.

دکتر حسین درودیان در سایت الف نوشت: بدون تعارف، فشار کسری در بودجه دولت در حال تبدیل شدن به یک مشکل عظیم با آثار فوری است. مسئله کسری دولت به سبب بروز نارضایتی و فشار بر عموم مردم، فوراً تبعات اجتماعی می‌یابد. افزایش دادن میزان عوارض و مالیات‌ها، گرچه به ظاهر با توجیهات اقتصادی و منطقی همراه می‌شود، ولی تقریباً همه می‌دانند که وضع آنها بیشتر از سر درماندگی بودجه‌ای است تا سیاست‌گذاری اقتصادی.

در نگاه نخست، متهم اصلی در بروز این تنگنا افت و کاهش درآمد نفت است که موجب کاهش در دریافتی‌های دولت شده. درآمد نفتی یکی از اقلام بودجه است که باید آن را در کنار سایر درآمدها سنجید. برای سنجش صحت این تصور، باید وضعیت درآمدی دولت را با سال‌های قبل مقایسه کرد تا ببینیم آیا حاد شدن مشکل بودجه دولت به وضعیت اسفناک درآمدهای دولت بازمی‌گردد؟

واضح است که براساس یکی از اصول اولیه تحلیل اقتصادی، نمی‌توان ارقام اسمی یا پولی را مقایسه کرد. پس باید از ارقام تورم‌زدایی شده بهره گرفت یا نسبت‌ها. برای این منظور درآمد تورم‌زدایی شده دولت و همچنین درآمد دولت به تولید ملی را ملاک بررسی می‌گیریم. در این محاسبه میزان انتشار اوراق بدهی توسط دولت، که بیش از آنکه درآمد باشد شکلی از کسری بودجه است، و همچنین درآمدهای اختصاصی دستگاه‌های دولتی، که رقم آن چندان شفاف نیست، را کنار گذاشته و پایه اصلی محاسبه را بر مجموع درآمد مالیاتی و نفتی دولت قرار می‌دهیم.

اگر سال ۱۳۹۰ را منها کنیم، درآمد واقعی یا تورم در رفته دولت تقریباً به طور پیوسته رو به افزایش بوده است. باید توجه داشت که سال ۹۰ از حیث درآمدی یک سال ایده‌آل با بالاترین حجم درآمد ارزی در تاریخ کشور و پیش از وقوع تحریم‌ها بوده و لذا باید آن را سالی متفاوت از سال‌های بعد قلمداد کرد. همچنین احتمالاً رقم عملکرد بودجه ۹۷ اندکی کمتر از میزان مصوب خواهد بود. ولی در مجموع وضعیت درآمدی دولت طی امسال و سال آینده در مقایسه با سال‌های قبل (غیر از سال استثنایی ۱۳۹۰) حاکی از افت و تنزل در درآمدهای دولت نبوده، بلکه عکس آن صادق‌تر به نظر می‌رسد.

اما چرا در عین افت قیمت نفت، درآمدهای دولت شاهد کاهش شدید نبوده؟ اولاً گرچه درآمد نفتی رو به تنزل بوده، اما از آنجا که نرخ تبدیل آن به ریال بالاتر از سال‌های قبل است، در مجموع درآمدهای ریالی دولت ترمیم شده. درآمد بالای نفت در سال ۱۳۹۰ با نرخ نزدیک به هزار تومان به ریال تبدیل می‌شد، اما نرخ تبدیل از سال ۱۳۹۴ تاکنون بیش از ۳۰۰۰ تومان بوده و قرار است در سال آینده ۳۵۰۰ تومان باشد (یا شاید بالاتر!).

ثانیاً علی‌رغم افت درآمدهای ارزی فروش نفت، درآمدهای مالیاتی دولت طی سال‌های اخیر رشدی بسیار بالا داشته (معمولاً با ارقامی بیش از نرخ رشد کل بودجه). پس دولت درآمدهای خود را با اخذ مالیات بیشتر ترمیم کرده است. ثالثاً افت نرخ تورم در سال‌های اخیر هم به افزایش درآمد واقعی (تورم‌زدایی شده) دولت کمک کرده است.

اگر درآمدهای دولت را در مقیاس اقتصاد کشور در نظر بگیریم، درمی‌یابیم وضعیت دولت از حیث درآمدی از سال ۹۱ دائماً رو به بهبود بوده است. حتی این نسبت در سال ۱۳۹۵ مشابه سال ۱۳۹۰ (بهترین سال در تاریخ کشور از حیث درآمدهای نفتی) بوده و اگر سناریوی درآمدزایی سال ۹۵ در سال ۹۶ هم محقق شود، حتی وضعیت درآمدی دولت در سال ۹۶ از سال ۹۰ هم بهتر خواهد بود.

نتیجه اینها چیست؟ روشن است؛ فشار مضاعف وارده بر بودجه در درجه اول و بیش از هر چیز از محل «مصارف» یا «هزینه‌ها» است، نه درآمدها. درآمدهای دولت در مقایسه با سال‌های پیشین، اگر نگوییم بهبود یافته، بدتر نشده است. مشکل اصلی بی‌انضباطی و بی‌تدبیری در جانب هزینه‌ها، به‌ویژه هزینه‌های جاری است، زیرا می‌دانیم وضعیت جذب بودجه‌های عمرانی نامساعد است.

همه این محاسبات بدون لحاظ حجم عظیمی از اوراق بدهی است که دولت، به زیان دولت‌های آینده، در حال انتشار است. در حقیقت اگر انتشار اوراق بدهی را نیز به عنوان یک منبع دیگر تأمین مالی دولت در نظر می‌گرفتیم، بیشتر مشخص می‌شد که دولت از حیث درآمدی با وضعیت بدی روبه‌رو نیست.

فشار و تنگنای بودجه‌ای محصول رشد غیرمسئولانه هزینه‌های جاری توسط دولت است. بیجا نیست که در ادبیات اقتصاد بخش عمومی، مهم‌ترین ویژگی بوروکرات‌ها را «بودجه‌دوستی» آنها می‌دانند. وقتی به جای مدیریت بر بوروکرات‌ها و بهره‌گیری ابزاری تاکتیکی از آنها، فرمان را یکسره به آنها می‌سپاریم، سرنوشتی بهتر از این در انتظار نیست.

آفتاب یزد: رفتار اقتصادی دولت حمله به طبقه متوسط است

یک روزنامه اصلاح‌طلب نوشت دولت در حوزه اقتصادی در حال حمله به طبقه متوسط است.

روزنامه آفتاب یزد در تحلیلی اقتصادی خاطرنشان کرد: کارمندان، فارغ‌التحصیلان بیکار شاغل در شغل مسافرکشی، بازنشستگان، نخبگان، متخصصین شهری، اصناف دارای هوشمندی و تجارب کاری که یک سطح معین از فهم اجتماعی را کسب کرده‌اند. ... و مانند اینها معمولا به عنوان بخشی از طبقه متوسط ایران تلقی می‌شوند.

دولت در مالیات‌ستانی از آنچه که مسعود نیلی آن را «صدک مرفه» جامعه می‌خواند موفقیتی نداشته است، توان برقراری عدالت اقتصادی در این دولت دیده نمی‌شود و در نتیجه این طبقه متوسط هستند که باید مالیات بیشتری بدهند، بنزین را با نرخ بیشتری بخرند، از کمک‌های یارانه‌ای دولتی بهره کمتری ببرند و با مشکلات اقتصادی بیشتری دست‌وپنجه نرم کنند.

مسعود نیلی می‌گوید: «صدک اول (ثروتمندترین قشر) جامعه در مقایسه با صدک آخر درآمدی نسبت یک به ۸۶ دارد که عدد غیرقابل قبول و ناعادلانه‌ای است ... در جامعه، فقر بازتولید نمی‌شود اما سازوکارهایی که وضع فقرا را بهتر کند، فعال نیست.»

رئیس سازمان امور مالیاتی با بیان اینکه براساس برآوردهای مختلف سالانه بین ۱۳ تا ۳۰ هزار میلیارد تومان فرار مالیاتی در کشور اتفاق می‌افتد، گفت: مالیات پزشکان ۷۰۰ میلیارد تومان در سال است اما اکنون این قشر ۱۵۰ میلیارد تومان مالیات می‌پردازند.

دولت از سال تصویب یارانه‌ها در آذر۸۹ در هر سال حدود ۴۲ هزار میلیارد تومان بابت یارانه‌های نقدی پرداخت کرده است، اما این رقم را برای سال آینده تا ۲۳ هزار میلیارد تومان کاهش داده است. اگر قرار باشد فقط ۲۳ هزار میلیارد تومان یارانه نقدی ۴۵ هزار و ۵۰۰ تومانی پرداخت شود باید تا حدود نیمی از یارانه‌بگیران فعلی حذف شوند تا رقم ۲۳ هزار میلیاردی پاسخگوی پرداخت‌های نقدی باشد. این نیمی از یارانه‌بگیران با توجه به بودجه باقیمانده می‌تواند به معنای حذف ۳۰ میلیون نفر باشد. مسعود نیلی خود مرفهین واقعی را با لفظ صدک خطاب می‌کند و به نظر می‌رسد، این ۳۰ میلیون نفر تماماً ازمیان طبقه متوسط خواهند بود.

آقای جهانگیری! بعد از ۵ سال نباید فرافکنی کنید

یک سایت حامی دولت از جهانگیری خواست مطالبات و اعتراضات اقتصادی مردم را به منتقدان نسبت ندهد و کم‌کاری دولت را بپذیرد.

خردادنیوز با نامسئولانه خواندن اظهارات جهانگیری نوشت: آیا آن‌گونه که معاون اول رئیس‌جمهور گفته، اعتراض مردم معطوف به منتقدان است؟

در اظهارات آقای جهانگی